

# هفته نامه راه کارگر

نشریه سیاسی - خبری کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

سردبیر: آرش کمانگر شماره 206 یکشنبه 24 خرداد 1383 13 ژوئن 2004

**دیدگاه دکتر خیرالدین حسیب پیرامون اوضاع عراق ، در مصاحبه با مجله «الزمان»**  
ترجمه: احمد مزارعی

**مقدمه مترجم:** یکسال و نیم از اشغال کشور عراق میگذرد، برخلاف وعده های داده شده در مورد استقرار "آزادی و دموکراسی" توسط آمریکا، بر وخامت اوضاع عمومی کشور و مردم هر روز افزوده شده است. نبود امنیت، بیکاری، فقر و از هم گسیختگی همه رشته های زندگی، در همه جای کشور عراق به خوبی مشهود است. در پایتخت کشور عراق، آب و برق و تلفن روزانه بارها و نوبتی قطع و وصل میشود. راه بندانها و تفتیش های شبانه گسترده توسط سربازان آمریکایی جان مردم را به لبشان آورده است. مردم عادی بارها در مصاحبه های خود با رسانه ها، اظهار داشته اند که چگونه اشیاء گران قیمت آنان به سرقت رفته، دختران و زنانشان ربوده شده و پس از تجاوز آنان را در گوشه ای رها کرده اند. مواد مخدر بدون هیچگونه حساب و کتابی و در همه جا به فروش میرسد. ترور دانشمندان عراقی تاکنون متوقف نشده و به همین مناسبت پزشکان عراقی به طور جمعی تصمیم گرفته اند خاک کشور خود را ترک گویند. فاجعه زندان ابوغریب هم که وجدان همه انسانهای شرافتمند را به درد آورده است.

بقیه در صفحه 6

**نگذاریم " بم " و آن کمکها فراموش شوند!**

امیر جواهری لنگرودی ص 9

**+ اخبار مبارزات کارگران ایران +**

= تحسن پنج هزار کارگر در ارومیه  
= اعتصاب مجدد کارگران گشت و صنعت مغان  
= اعتصاب کارگران آلومینیوم سازی اراک  
= فراخوان اعتراض سراسری پرستاران در روز 4 تیر  
= تحسن کارگران راه آهن اندیمشک

در صفحات 8 و 10

**اعتراض مردم به اعدام سه جوان در خرم آباد!**  
ص 5

**به انگیزه روز جهانی مبارزه علیه کار کودک برپایی یک حرکت اعتراضی در پارک لاله تهران**



• در قطعنامه پایانی این مراسم بر گسترش تامین اجتماعی کودک و پرداختن بیمه بیکاری بدون قید و شرط به خانواده های کودکان کار به عنوان یک شرط اولیه و اصلی برای پایان بخشیدن به کار کودکان اشاره شده است.  
ادامه گزارش در صفحه 2

**بحثی در باره رابطه سرنگونی و خشونت طلبی**

شهاب برهان

\* آیا سرنگونی یعنی خشونت طلبی ، وحشیت و باز تولید استبداد!؟

استحاله چی ها و اصلاح طلبان برای سد کردن راه براندازی رژیم، علاوه بر تبلیغ امکان اصلاح آن، مردم را از عواقب سرنگونی هم می ترسانند. در ده پانزده سال گذشته - یعنی نه بهیچوجه تصادفا در طول دوره های ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و محمد خاتمی - استحاله چی ها و بطور مشخص مثلث " جمهوری خواهان ملی"، " حزب دموکراتیک مردم ایران"، و "سازمان فدائیان خلق (اکثریت)"، طرفداران سرنگونی جمهوری اسلامی را به خشونت طلبی و وحشیگری و دشمنی با دموکراسی متهم کرده و ادعا کرده اند که مبارزه متمدنانه برای دموکراسی، فقط می تواند به شکل مسالمت آمیز، در چهارچوب قانون، و برای اصلاحات تدریجی باشد. در طول آن سال ها اگر این بحث، جدلی در خارج از کشور و در سطح نظری بود، اینک با شکست اصلاحات و قرار گرفتن مردم ایران بر سر دو راهی " تسلیم، یا سرنگونی؟" این بحث را باید از عرصه جدل در خارج به عرصه عمل توده ای در داخل منتقل کرد. با چنین هدفی است که من در اینجا رابطه سرنگونی با خشونت، وحشیت، تمدن و دموکراسی را حلاجی می کنم.  
بقیه در صفحه 3

## به انگیزه روز جهانی مبارزه علیه کار کودک برپایی یک حرکت اعتراضی در پارک لاله تهران



به گزارش خبرگزاری ایرنا ، همزمان با دوازدهم ژوئن (بیست و سوم خرداد)، که به نام روز جهانی مبارزه علیه کار کودک نامگذاری شده، برای نخستین بار در ایران، صدها تن از معترضین به کار کودکان، در پارک لاله تهران تجمع کردند

"قاسم حسنی" عضو هیات مدیره انجمن حمایت از کودکان کار، عصرشنبه در حاشیه این گردهمایی به خبرنگار گروه اجتماعی ایرنا گفت این نخستین حرکت نمادین مخالفان کار کودکان است، به امید آنکه شرایط حاکم بر جامعه به نفع این دسته از شهروندان اصلاح شود. وی افزود : آمار و ارقام مربوط به کار کودکان و نوجوانانی که در سن تحصیل و آموزش قرار دارند، امروزه به حدی است که دولتها دیگر قادر به کتمان پدیده کودکان کار و خیابان و پایمال شدن حقوق آنان نیستند. در پایان این مراسم، شرکت کنندگانی که بیشتر آنان را زنان و کودکان تشکیل می دادند، قطعنامه ای در محکومیت شرایطی که منجر به گسترش کار کودکان شده است، قرانت کردند. دراین قطعنامه بر گسترش تامین اجتماعی کودک و پرداختن بیمه بیکاری بدون قید و شرط به خانواده های کودکان کاربه عنوان یک شرط اولیه و اصلی برای پایان بخشیدن به کار کودکان اشاره شده است. اصلاح نگرش جامعه به کار کودک ، اقدام فوری مسوولان برای پایان بخشیدن به شرایط موجود، بیمه و تامین اجتماعی فراگیر برای همه کودکان و اجرای هر چه سریعتر مفاد پیمان نامه جهانی حقوق کودک و دیگر مصوبات بین المللی برای حمایت از حقوق کودکان، بویژه کودکان کار و خیابان ، از جمله بندهای این قطعنامه بود. در بخش دیگری از این قطعنامه شرکت کنندگان از دولت خواسته اند که هیچ امری نباید مانع از تحصیل کودکان شود و جمع آوری کودکان کار در خیابان ها به شیوه کنونی نه تنها مشکل آنان را حل نمی کند، بلکه خود آسیبهای جدی تری را به آنان وارد می سازد. صدها کودکی که برای شرکت در این گردهمایی سازماندهی شده بودند، با حمل پلاکاردهایی که دست نوشته هایی در محکومیت کار کودکان روی آنها نوشته شده بود، در این تجمع شرکت داشتند.

"آموزش، رمز پایان بخشیدن به فقر است"، "آنکه فردا در مشیت اوست، امروزش را از تو می خواهد"، "ما قربانیان بی صدا هستیم - صدای ما را بشنوید"، "بچه ها نباید کارکنند" و "کودکی، دوران بدون بازگشت زندگی انسان است"، از جمله این دستنوشته ها بود.

در این تجمع چند گروه سرود دانش آموزی، یک گروه تئاتر دانشجویی و یک نوازنده با اجرای کارهای هنری خود، این گردهمایی را همراهی کردند.

12 ژوئن برابر با 23 خرداد به عنوان روز جهانی مبارزه علیه کار کودک است .

برابر گزارشهای سازمانهای بین المللی حقوق بشر در دنیای کنونی در حدود ۲۶۵ میلیون کودک برای رفع نیازهای خود و خانواده شان ناگزیر به کار هستند.

کودکان شرکت کننده در نخستین تجمع اعتراض آمیز علیه کار کودکان، غروب شنبه درحالی به تجمع خود خاتمه دادند که شعار می دادند : "ما به درس و آموزش احتیاج داریم، نه به کار"، "آیا آینده ما فقط کار است؟" و "آیا کسانی هستند که از ما حمایت کنند؟"

### \* با ما ارتباط بگیرید \*

سر دبیر هفته نامه

[arash.k@rahekargar.net](mailto:arash.k@rahekargar.net)

روابط عمومی سازمان

[public@rahekargar.net](mailto:public@rahekargar.net)

تلفن عمومی سازمان

49 -40 -6777819

شماره فاکس سازمان

33-1-43455804

سایت رادیو برابری

[www.radiobarabari.net](http://www.radiobarabari.net)

سایت راه کارگر

[www.rahekargar.net](http://www.rahekargar.net)

سایت اتحاد چاپ کارگری

[www.etihadchap.com](http://www.etihadchap.com)

ادامه از صفحه یک

**بختی در باره رابطه سرنگونی و ...**

در همینجا باید این را هم بیافزایم که روش مسالمت آمیز هم الزاما فقط به معنای روش قانونی نیست؛ روش های فرافانونی مثل اعتصابات غیر قانونی، تظاهرات بدون مجوز، اشغال محل و غیره مادام که همراه با خشونت نباشند، روش های مسالمت آمیز یا صلح آمیزند

**سرنگونی بدون خشونت**

سرنگونی یک رژیم سیاسی چیست بجز دست بدست شدن قدرت سیاسی؟ آیا آنطور که استحالته چی ها و اصلاح طلبان وانمود می کنند، سرنگونی همیشه با خشونت و حمام خون توأم است؟ نه! بدون شک در تاریخ، سرنگونی های قهر آمیز در مقیاسی غیر قابل مقایسه بر سرنگونی های غیر قهر آمیز فزونی داشته اند. اما حکومت هایی هم سرنگون شده اند بی آن که به شکل قهر آمیز باشند. آیا حکومت جبهه ساندینیست ها در نیکاراگوئه به شکل قهر آمیز سقوط کرد؟ آیا رژیم آلمان شرقی و دیوار برلین در حمام خون فروریخت؟ مگر همین یکی دو ماه پیش، حکومت شورانرازه در گرجستان بدون شلیک حتی یک گلوله از هیچ طرفی سرنگون نشد؟ استحالته چی ها و اصلاح طلبان ما برای آن که از ترس "سرنگونی = قهر و خشونت" دفاع کنند، ناچارند که یا این نمونه ها را "فراموش" کنند، و یا اساسا سرنگونی این حکومت ها را، به این خاطر که با قهر و خشونت توأم نبوده است، انکار کنند!

**قهر یا زور؟**

سرنگونی در شرائطی با توسل به قهر و در شرائطی هم بدون آن ممکن است صورت بگیرد؛ اما در هیچ شرائطی بدون توسل به زور ممکن نمی شود، چراکه هیچ حکومتی داوطلبانه کنار نمی رود. حتی حکومت جبهه ساندینیست ها هم که معروف است به این که "کنار رفت"، به میل خود و داوطلبانه کنار نرفت؛ به زور آرای اکثریت در یک انتخابات کنار رفت - و البته این امتیاز را به نام خود در تاریخ ثبت کرد که به رای اکثریت احترام بگذارد و برای حفظ قدرتی که اکثریت بهر دلیل آن را نمی خواستند، به زور متوسل نشود.

این که چه مقدار زور و چه شکلی از آن (مسالمت آمیز یا قهر آمیز) برای برانداختن یک حکومت لازم باشد، به عوامل پر شماری بستگی دارد که اصلی ترین شان میزان دوری و نزدیکی آن حکومت به مردم؛ امکانات مانور آن؛ میزان توانائی های آن برای ایستادگی در برابر زور مردم؛ و چگونگی توازن نیرو میان حکومت و مخالفان است. بحث من فعلا این نیست که آیا رژیم جمهوری اسلامی را می شود بصورت مسالمت آمیز برانداخت یا نه. هسته اصلی حرف من این است که در هر حال، این رژیم را باید به زور سرنگون کرد. و هسته اصلی حرف استحالته چی ها و اصلاح طلبان هم این است که در هر حال نباید سرنگون کرد! اگر غیر از این بود، می توانستند بگویند که رژیم را باید به زور سرنگون کرد، اما نه با توسل به قهر. ولی آنان با اصرار بر یکی قلمداد کردن سرنگونی و خشونت، اساسا با سرنگونی است که مخالفت می کنند. آنان به بهانه طرفداری از مشی مسالمت جویانه، مسالمت جوئی با رژیم جمهوری اسلامی را دنبال می کنند.

**مسالمت آمیز، یا قانونی؟**

استحالته چی ها و اصلاح طلبان اگر مشی مسالمت آمیز را ناموس سیاسی خود عنوان می کنند، هر مبارزه مسالمت آمیزی را هم قبول ندارند! آنان تنها روش های مسالمت آمیزی را که قانونی

**مکنی بر مفاهیم**

قدرت، نیرو، زور، قهر، ... لغاتی هستند که مرزی دقیق و عبور ناپذیر میان معانی آن ها نمی شود کشید و با مراجعه دادن توده مردم به فرهنگ لغات هم نمی شود مانع از آن شد که مردم کوچک و بازار این لغات را آنگونه که جا افتاده و متداول اند بفهمند و به کار ببرند. من در عین حال که ترجیح می دهم و مفید تر می دانم که این لغات را با همان معانی که در فرهنگ عمومی مردم جا افتاده است مبنای بحث قرار دهم، لازم هم می دانم که ابتدا تفاوت های میان آن ها را در بختی که مطرح می کنم روشن سازم؛ با این تذکر پیشاپیش که من تفسیر و کاربرد این عبارات را در عرصه مناسبات سیاسی میان دولت و مردم در نظر دارم. بطور کلی برای آن که بتوان چیزی را به کسی تحمیل کرد، «زور» لازم است. اگر زور نباشد، کسی را نمی توان علی رغم میل اش به چیزی «مجبور» کرد یا به کاری واداشت. اما «اعمال زور» به وسائلی نیاز دارد. وسیله اعمال زور، «نیرو» است. مثلا برای آن که شما بتوانید یک متجاوز را به زور از در بیرون بیاندازید، باید بازوان قوی داشته باشید؛ یا اسلحه داشته باشید؛ یا وسیله خبر کردن پلیس را داشته باشید. کسی که وسیله اعمال زور نداشته باشد، «قدرت» تحمیل ندارد.

هرجا که تحمیل و اجبار هست، قاعدتا مقاومت هم هست. آنچه در رابطه تحمیل و زور و نیرو و قدرت گفته شد، عینا در مورد مقاومت و مقابله با تحمیل و دفع زور هم صدق می کند: برای دفع زور، زور لازم است؛ برای مقابله با قدرت، قدرت لازم است. اعمال روز (چه برای تحمیل یا برای دفع آن، دو شکل کلی می تواند داشته باشد: «قهر آمیز» و «مسالمت آمیز».

«قهر» چیست؟ هدایت سلطان زاده در مقاله "تاملی بر مفهوم براندازی و سوء استفاده از چند واژه"، قهر را معادل "Force" انگلیسی و مترادف "نیرو" گرفته و کاربرد قهر به معنای "خشونت" را ناشی از اغتشاش مفهومی دانسته است که مخالفان سرنگونی از آن برای مذمت سرنگونی سوء استفاده می کنند. من اگر چه با جهت اصلی و بسیاری از نکات این نوشته موافقم، اما با این موافق نیستم که «قهر»، همان «نیرو» است. قهر، نیرو به معنای عام نیست، بلکه کیفیت نیروست. قهر، از مقوله خصومت است؛ اما خصومت، الزاما همیشه با خشونت همراه نیست. قهر، خصومتی است که به خشونت تبدیل شده است. قهر، در برابر مسالمت است و قهر آمیز، در برابر صلح آمیز؛ یعنی که توسل به قهر، اعلان جنگ است. نیروی قهر، یا قوه قهریه، نیروئی است با کیفیت آسیب رسانی و تخریبی. در همین معنا هم هست که زلزله و سیل را "قهر طبیعت" می نامند یا زمانی از "سرکوب قهرآمیز" حرف می زند که کار از سانسور و اختناق و بازداشت گذشته، و باتون و سرنیزه و توپ و تفنگ به کار افتاده است. وقتی که خصومت به مرز خشونت رسیده ولی هنوز جنبه تهدید به خشونت را دارد و مادام که کار به درگیری فیزیکی و تخریب و انهدام نرسیده است، نمی توان از قهر سخن گفت. برای مثال، وقتی که دو نیروی متخاصم و مسلح در برابر هم صف آرایی کرده اند و هرلحظه انتظار فرمان شلیک و حمله می رود، تا وقتی که این اتفاق نیفتاده باشد، کسی از توسل به قهر حرف نمی زند، و اگر نیروها با وساطت کسی از جنگ صرفنظر کنند، گفته می شود که موضوع به شکل مسالمت آمیز حل شد.

با این توضیحات معلوم می شود که اولاً - قهر و مسالمت، کیفیت های نیرو، یا اشکال اعمال زور هستند؛ ثانیاً - قهر، به خشونت کشیده شدن خصومت است؛ و ثالثاً - مسالمت، به معنای عدم توسل به قهر است و نه الزاما به معنای عدم توسل به زور، و یا الزاما به معنای آشتی و پایان خصومت.

مداوم آن است. از مسائل حاد جمعیت کارگری ایران، نه دستیابی به یک قانون کار مترقی و ضامن حقوق کارگران، بلکه پرت نشدن به بیرون از شمولیت همین قانون کار ناقص و معیوب است. امروز، آرزوی بخش بزرگی از کارگرانی که از موهبت و امتیاز استثمارشدن برخوردار هستند، نه افزایش دستمزد، بلکه پرداخت دستمزدهای یک سال و دو سال عقب افتاده شان است.

هفتاد درصد مردم ایران در زیر خط فقر دست و پا می زنند. خشونت دولتی، نه بخاطر تلاش اکثریت جمعیت برای دستیابی به زندگی بهتر، بلکه بخاطر تلاش آنان برای زنده ماندن است که « تحریک » می شود. برای بیش از پنج میلیون نفر، یافتن یک کار و بهره مند شدن از « حق استثمارشدن »، آرزوی لوکس و بلند پروازانه است. برای زنده ماندن در جمهوری اسلامی، تن فروشی می شود؛ کودک فروشی می شود؛ برای فروش کلیه، صف بسته می شود. آنانی که چاره ای جز دزدی نینند، دست شان بریده می شود. و آنانی هم که همه این روزه های « تمدن » بر رویشان بسته باشد، سر فرزندان شان را گوش تا گوش می برند و خود را حلق آویز می کنند.

در چنین سطح نازلی از مطالبات مردم است که عصب خشونت جمهوری اسلامی « تحریک » می شود. این مردم به چه حدی از بی حقی و ستم و فلاکت و ذلت تن بدهند که رفتارشان از متمدنانه « باشد و خشونت حکومت را تحریک نکند و » تشنج نیافرند؟! «

می گویند « مسالمت آمیز و قانونی »؟ کدام دیوانه ای است که ترجیح ندهد خواسته هایش را با مسالمت و از راه های قانونی بدست بیاورد؟ اما در جمهوری اسلامی که راه پیمانی مسالمت آمیز دانشجویان را به خاک و خون می کشند و تقاضای مسالمت آمیز کارگران برای تبدیل قرارداد موقت کار به قرارداد دائم را با آتشبار هلی کوپتر پاسخ می دهند، چه شکل دیگری از « مسالمت » جز تسلیم باقی می ماند که خشونت رژیم را « تحریک » نکند؟! در رژیمی که از رئیس جمهور و دولت و مجلس قانونگذاری اش در موضع حکومتی و با وجود برخورداری از امکانات و اهرم های عظیم دولتی، پناهی در قانون ندارند و چنین مفلوک و درمانده گشته اند، استخاله طلبان « متمدن » ما مردم را به کدام قانون حواله می دهند؟! «

همین یک ماه پیش، در هشتم بهمن، 450 کارگر کارخانه کفش « شادان پور » برای اعتراض به عدم پرداخت دوازده ماه دستمزد خود، به نمایندگان قانون روی آوردند و در برابر مجلسی بست نشستند که خود قانون گذاران در اعتراض به بی قانونی، در آن بست نشسته بودند! هیچ تحلیلی نمی تواند به اندازه این تابلوی بی پناهی ی مطلق کارگرانی که دوازده ماه دستمزد نگرفته اند، مسئولیت کامل حکومت در تحریک مردم و ناچاری شان در توسل به قهر را به نمایش بگذارد.

استخاله چی ها و اصلاح طلبان، که در پشت نقاب دموکراسی و مخالفت با خشونت و وحشیت، و به بهانه پرهیز از خشونت و باز تولید استبداد، مردم را از سرنگونی جمهوری اسلامی باز می دارند بی آن که برای دفع خشونت و وحشیت دولتی راهی نشان بدهند، عملاً مردم را به تسلیم به ضد دموکراتیک ترین، مستبدترین، خشن ترین و وحشی ترین رژیم دعوت می کنند. آنان با سنگ اندازی بر سر راه سرنگونی جمهوری اسلامی، به وحشی ترین دستگاه خشونت و بربریت خدمت می کنند.

#### آیا قهر الزاما قهر می زاید؟

این ادعای استخاله طلبان هم که مردم را از سرنگونی رژیم با این استدلال می ترسانند که توسل به قهر، قهر و استبداد می زاید، بی پایه است. اگر این استدلال درست بود، مجال بود که حکومت های جبار و مستبد قرون وسطایی در اروپا - که همگی بدون حتماً یک استثنا، با انقلابات قهرآمیز و جنگ ها و خونریزی های بزرگ سرنگون شده اند، امروزه جای خود را به رژیم های دموکراتیک بورژوازی داده باشند. دموکراسی سنتی انگلستان - جانی به مارکس بعید نمی دانست انقلاب کارگری در آنجا بتواند بدون نیاز به توسل به قهر پیروز شود - بدون بریده شدن سر چند شاه بدست نیامد. دموکراسی آمریکا بر سرزمین غصب شده از سرخوستان از طریق وحشیانه ترین نسل کشی، و از دل جنگ داخلی جوانه زد.

باشند، مجاز می دانند و تایید می کنند؛ یعنی مبارزاتی را که حکومت آن ها را مجاز بداند و تایید کند!

در نزد استخاله چی ها و اصلاح طلبان، مشروطیت استفاده از اشکال مسالمت آمیز، به اشکال قانونی هم محدود نمی شود. آن اقدامات قانونی هم که احتمال « تحریک » خشونت دولت را داشته باشند، کاری غیر مسئولانه و ماجرا جویانه ارزیابی می شوند. در چارچوب مسالمت جویی آنان، تنها اقداماتی مجاز اند که بهانه ای برای خشونت دولتی ندهند و حتا « تشنج آفرین » نباشند؛ وگرنه می شوند خشونت طلبی! اگر باید از خط مشی استخاله چی ها و اصلاح طلبان در شرائط جمهوری اسلامی تبعیت کرد، پس دانشجویانی که بطور مسالمت آمیز به تعطیلی روزنامه « سلام » اعتراض کردند و با آن شیخون وحشیانه به خوابگاهشان به خاک و خون کشیده شدند و کشته دادند؛ و کارگران شهر بابک که بخاطر اعتراض به اخراج، از زمین و هوا به رگبار بسته شده و کشته ها و زخمی ها دادند، نمی پایست حتا زبان به اعتراض باز کنند، چون اعتراض مسالمت آمیز هم خشونت طلبی است، چرا که خشونت دولتی را تحریک می کند! ( یادش بخیر خط مشی « آرامش فعال »! )

#### مجرک خشونت کیست؟

استخاله طلبان، نه تنها مطلق نکردن شکل مسالمت آمیز مبارزه در هر شرائطی، بلکه حتا مسالمت آمیزترین اعتراضات قانونی را هم که احتمال واکنش خشونتبار حکومت را داشته باشند، اقداماتی « خشونت طلبانه » قلمداد می کنند.

ممکن است که مردم در وضعیتی معین، ناگزیر از توسل به خشونت بشوند، اما در هیچ شرائطی خشونت « طلب » نمی شوند. افراد مازوخیست و بیمار که خشونت را « طلب » کنند پیدا می شوند، اما ملت خشونت طلب، مردم خشونت طلب، که حکومت را به اعمال خشونت علیه خود « تحریک » کند، پیدا نمی شود.

فرض کنیم که خشونت یک حکومت با « تحریک » توسط مردم قابل توضیح باشد. اما باید بلا فاصله علت این « تحریک » را هم توضیح بدهیم! یک توضیح می تواند این باشد که مردم سرشان برای کوبیده شدن درد می کند و خشونت را طلب می کنند که اگر « متمدنانه » رفتار کنند و دست به تحریک نزنند، واکنش خشونت آمیز هم نخواهند دید! توضیح دیگر این می تواند باشد که قهر و خشونت حکومت، راه را بر هر گونه اعتراض و مبارزه مؤثر قانونی و مسالمت آمیز بسته است؛ و این حکومت است که با سد کردن راه های قانونی و یا بی اثر کردن آن ها، مردم را به مبارزات فراقانونی و نهایتاً به توسل به قهر وادار و ناچار می کند. استخاله طلبان با ارائه توضیح اول، جای تحریک کننده و تحریک شونده را عوض می کنند!

آنچه مردم طلب می کنند، نه خشونت، بلکه آزادی، برابری، امنیت جانی، تأمین شغلی، تأمین آینده، برخورداری از زندگی مرغه، برخورداری از بهداشت و درمان و آموزش و بیمه های اجتماعی، محیط سالم برای زیست، دسترسی به اخبار و اطلاعات و تفریحات سالم ... و خلاصه یک زندگی در خور شأن انسان است. اما حقیقت این است که « مرز تحریک » رژیم حاکم بر ایران، بسیار بسیار پایین است. کلید خشونت دولتی نه زمانی که عقربه مبارزات مردم به سطح مطالبات یادشده می رسد، بلکه غالباً زمانی زده می شود که این عقربه از درجه صفر - و حتا از درجات زیر صفر - به حرکت در می آید. دانشجو، احمد باطنی را نه به بخاطر کشتن یک دانشجو، بلکه فقط بخاطر بلند کردن پیراهن خونین یک دانشجو در دست، ابتدا به اعدام محکوم کردند. نقشه نا موفق پرت کردن اتوبوس هنرمندان به دره را نه بخاطر آن که آنان دست به کودتای مسلحانه زده باشند، بلکه فقط بخاطر آن کشیدند که طور دیگری می اندیشیدند. گلوله را در شقیقه سعید جباریان، مقام سابق امنیتی برجسته رژیم، نه بخاطر جاسوسی برای دستگاه های امنیتی بیگانه، بلکه بخاطر تلاش او برای اصلاح رژیم و نجات آن از سقوط، خالی کردند...

مسئله روز اکثریت عظیم کارگران و مزد بگیران ثابت، نه ارتقا سطح و استاندارد زندگی، بلکه مبارزه برای جلوگیری از سقوط

ممکن است قدرت مردم دست خالی بر رژیم پیچید که تمام منابع اقتصادی کشور، قدرت مهیب پلیسی - نظامی، ابزارهای تبلیغی عظیم و غیره در اختیار دارد؟

جواب این پرسش را تجربه سرنگونی همه دیکتاتوری ها و تجربه اکثر انقلابات می دهد : برهم خوردن توازن قوا و چربش نیروی مردم، نه با چربش منابع اقتصادی و قدرت نظامی مردم بر حکومت و دستیابی شان بر تکنولوژی تبلیغاتی پیشرفته تر از مال حکومت، بلکه اساساً از طریق فلج کردن قدرت دولتی و ناتوان کردن حکومت از بکار گرفتن نیرو و امکانات خود است که عملی می شود. می گویم "اساساً"، برای آن که مردم به هرحال برای پیشروی خود، بسته به شرائط، به این یا آن اندازه به امکانات اقتصادی، توان ایستادگی در برابر نیروهای سرکوب، و امکانات تبلیغی نیاز دارند؛ اما کارکرد اصلی این امکانات، نه رقابت کمی با امکانات دولتی، بلکه فلج کردن چرخ اقتصادی، زمینگیر کردن نیروی نظامی، و خنثا کردن تبلیغات دشمن است.

ورود به این موضوع که این کار با چه وسایلی و چگونه امکان پذیر است، بحث ما را به درازا می کشاند؛ تنها به این نکته اساسی اشاره می کنم که وسیله معجزه مردم که غلبه آنان را بر هر دیکتاتوری قدر قدرت امکان پذیر می کند، مبارزه ای است که مشخصات زیر را داشته باشد: ابعاد توده ای؛ متشکل و سازمان یافته؛ متحد؛ سراسری؛ مضموم و جسورانه؛ پیگیر و بی وقفه. هر حکومتی با هر اندازه امکانات اقتصادی و توان نظامی و تبلیغاتی، در محاصره امواج بیپای و کوبنده چنین قدرت بیکران و سهمگینی، همچون قایقی پوسیده بر اقیانوس، از هم می پاشد و متلاشی می شود.

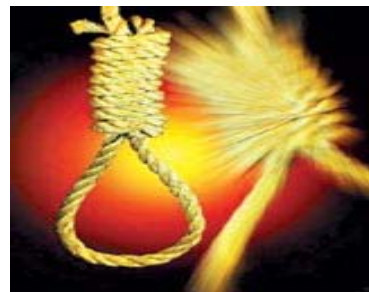
من در رابطه با ملزومات سرنگونی جمهوری اسلامی، به همین اشاره گذرا به کلی ترین اسباب قدرت توده ای که امکان برهم زدن تعادل قوا و خالی کردن زیرپای حکومت را به آنان می دهد، بسنده می کنم و این موضوع را که جمهوری اسلامی را تنها با زور می توان سرنگون کرد، پی می گیرم.

( ادامه مقاله در شماره بعد )

## اعتراض مردم به هنگام حلق اویز شدن

### سه جوان در خرم اباد

در جریان حلق اویزکردن سه جوان در خرم اباد توسط رژیم جنایتکار اسلامی، مردم و جوانان خشمگین این شهر با سر دادن شعارهای ضد حکومتی نسبت به این اقدام غیر انسانی اعتراض کردند. به گزارش دریافتی این سه نفر به نامه‌های علی ایروانی، صفر خوت سیاتی و امید دعوتی روز دوشنبه 18 خرداد در میدان شقایق، میدان بزرگ و پل موسوم به شهدای خرم اباد بدار اویخته شدند. یکی از اعدامها در ساعت پنج بعد از ظهر و دو مورد دیگر پس از غروب آفتاب انجام شد. ماموران نیروی انتظامی در پشت بامهای مشرف به محل اعدام مستقر شده و تمامی منطقه را تحت کنترل گرفته بودند تا با هر گونه حرکت اعتراضی مقابله کنند. اما با اینهمه مردم و جوانان



دلیر خرم اباد علیه خامنه ای شعار دادند و به این ترتیب خشم و نارضایتی خود را از این اقدام سرکوبگرانه ابراز کردند .

دموکراسی فرانسه و منشور حقوق بشر، محصول انقلاب کبیر بود. مثال های زیادی در اثبات بی پایگی این ادعا می شود آورد، از جمله مثال های عکس، نظیر این که چطور کشوری مثل شیلی با دموکراسی بسیار قدیمی اش و بعد از به قدرت رسیدن حکومت سوسیال دموکرات سالوادور آلنده از طریق کاملاً مسالمت آمیز و قانونی، خشن ترین دیکتاتوری خونین آمریکای لاتین را تجربه کرد، آن هم با کمک " بزرگترین دموکراسی دنیا" ؟ !

به انقلاب 57 ایران نگاه کنیم. آیا استبداد سیاهی که خمینی مستقر کرد و خشونت کم نظیری که به راه انداخت، محصول توسل او به قهر در سرنگون کردن رژیم شاه بود؟ به یاد داریم که خمینی اساساً و تا آخرین لحظه مخالف توسل به اسلحه و قیام مسلحانه بود. تاکتیک او این بود که با تداوم تظاهرات مسالمت آمیز، ایجاد شکاف در نیروهای مسلح، و منع قدرت های خارجی از حمایت شاه، کار رژیم تمام شود. خمینی خواهان سرنگونی شاه بوسیله قیام نبود؛ او می گفت : « شاه باید برود! ». نهضت خمینی در عین حال که به عرق فروشی ها حمله می کرد و سینما رکس آبادان را آتش می زد، در قبال حکومت، مطلقاً از مشی مسالمت آمیز تبعیت می کرد. زمانی که بخشی از توده های مردم، خسته و نگران از درجا زدن جنبش در راه پیمائی های بدون پیشروی، شعار سر می دادند : « رهبران، ما را مسلح کنید! » ، پیروان خمینی گل میخک در لوله تفنگ سربازان می گذاشتند و شعار می دادند : « ارتش برادر ماست ». قیام مسلحانه را چریکهای فدائی خلق در دفاع از همافران پادگان فرح آباد که درحال سرکوب شدن توسط گارد جاویدان بودند، شروع کردند و بعد، مردم هم به آنان پیوستند. خمینی به منع آن ها پرداخت و اطلاعاتی داد که « من فتوای جهاد نداده ام ». حقیقت تاریخی این است که خمینی متوسل به قهر برای سرنگونی شاه نشد و تا آخرین روز هم که قیام به او تحمیل شد و نتوانست جلو آن را بگیرد، دست از مشی مسالمت آمیز با رژیم شاه نکشید. اما پس از آن که قدرت به دست اش افتاد، به سرکوب و خشونت بی نظیری متوسل شد.

آنانی که دست به قیام مسلحانه زده بودند، قربانیان قهر و خشونت کسی شدند که تا آخرین روز مخالف توسل به قهر برای به زیر کشیدن رژیم شاه بود! استبداد و خشونت رژیم خمینی، بیش از هر چیز محصول آنتاگونیسم آن " نظام الهی"، با آزادی های سیاسی، حقوق بشر و دموکراسی بود؛ نظامی که موظف بود نظام بهره کشی سرمایه داری و مالکیت خصوصی را هم که در یک انقلاب اجتماعی مورد تهدید و تعرض " مستضعفین " و " کوخ نشینان" قرار گرفته بود، حراست کند. خشونت رژیم خمینی جنگ تمام عیار ارتجاع، با انقلابی بود که آن را زائیده بود. به این دلیل، اگر رژیم شاه بدون قیام مسلحانه و با همان ترتیب مسالمت جویانه ای که خمینی می خواست، سرنگون می شد، رژیمی که خمینی می خواست مستقر کند، بدون سرکوب گسترده و قاطع آزادی خواهی، دموکراسی خواهی، و برابری طلبی کارگران و تهیدستان، امکان پذیر نمی بود. استبداد و خشونت آن حکومتی که جایگزین می شود، از ماهیت خود آن سرچشمه می گیرد و هیچ ربطی به این که حکومت پیشین با قهر یا با مسالمت سرنگون شده است، ندارد. منشأ و زاینده قهرسیاسی، خود قهر نیست؛ توضیح قهر با خود قهر، منشأ قهر را از چشم ها پنهان می کند.

### ملزومات و اسباب سرنگونی رژیم

نه تنها سرنگونی جمهوری اسلامی، بلکه حتا تحمیل عقب نشینی به حکومت در این یا آن مورد، مستلزم اعمال زور است؛ یعنی بکار گرفتن نیرو برای دفع تعرض و خنثا کردن مقاومت حکومت. این موضوع، بقدری عیان و غیر قابل تردید است که حتا کیانوش راد، نماینده اصلاح طلب اهواز در مجلس اسلامی، به دانشجویان می گوید ( البته بعد از خرابی بصره ! ) که : « قدرت را فقط با قدرت می توان مهار کرد».

برای آن که کاربرد زور، موثر باشد، نیروی مردم باید بر نیروی حکومت چربید، یعنی موازنه قوا باید برهم بخورد. کارگری که بخاطر یک اعتراض صنفی، از زمین و هوا به رگبار بسته می شود؛ و دانشجویی که بخاطر شعار دادن، در محاصره جنگی رژیم قرار می گیرد و لت و پار می شود، حق دارد با ناباوری بپرسد که چطور

ادامه از صفحه یک

## دیدگاه دکتر خیرالدین حسیب ....

ترجمه و تلخیص مصاحبه خیرالدین حسیب که از شخصیت‌های فرهنگی و علمی عراق و مدیرکل " مرکز مطالعات کشورهای عربی " است، میتواند روشنگر بسیاری از مسائل این کشور باشد. لازم به تذکر است که این مصاحبه قبل از تشکیل کابینه جدید در عراق صورت گرفته و ترجمه آن به معنای تائید همه نکات مطرحه، توسط نشریه نیست.



+ یکسال و نیم پس از اشغال عراق، واقعیات و حقایق بسیاری تغییر یافته اند و واضح تر میتوان حوادث را میان آنچه که بوش با کیکه فراوان بر روی ناو جنگی از پروزی داد سخن داد، و کشته و غرق شدن سربازانش در باتلاق عراق دید. بعد از يك سال میتوان چهره واقعی عراق را در مقابل رنگارنگی خون و انفجارات عظیم دائمی به خوبی مشاهده نمود. زمین لرزه ی اشغال، همه مظاهر زندگی از دولت، سازمانهای اجتماعی، روابط بین المللی و منطقه ای را در هم کوبید و همه را به شکلی دیگر درآورد. آمریکاییها از آنچه که به حساب نیاورده بودند، دچار فاجعه شدند. از هم پاشیده شدن امنیت، مقاومت قدرتمند، انهدام اقتصاد، شورای حکومتی بی اراده، ائتلاف بین المللی از هم گسیخته، ترس و شک که از هر سو هجوم میآورد و فریادهایی از درون هیأت حاکمه که هشدار پیدایش ویتنام تازه ای را برای سربازان اشغالگر مهیا میکنند. نیروهای اشغالگر که در دام گرفتار آمده اند میکوشند راه فراری برای خود بیابند و دست به دامن سازمان ملل برای انتقال قدرت و تشکیل دولتی که با انتخابات در آغاز سال آینده کار خود را شروع کند. اما سنوآل این است: چه نوع قدرت و دولتی به عراقیها داده خواهد شد؟ کدام حکومت انتقالی و یا چگونه صلاحیتهایی؟ کدام نیروهای چند ملیتی مسئله امنیت کشور عراق را به عهده خواهند گرفت؟ سرنوشت نیروهای اشغالگر چه خواهد شد، حفظ امنیت با کیست؟ آیا مقاومت متوقف خواهد شد؟ اینها سنوآلات بسیار مشکلی است که در عرصه سیاست مطرح است در حالی که کمتر از دو ماه به انتقال سلطه به عراقیها بیشتر نمانده است. برای مطالعه وضعیت ناروشن، مشکل و پیچیده این پرونده پای صحبت دکتر خیرالدین حسیب میشینیم تا در مورد واقعیت اوضاع عراق و آینده این کشور نظرات خود را بیان دارند:

دکتر، فکر میکنید که آمریکاییها خود به درون دامی افتاده اند که برای عراق گذاشته بودند، دامی که نمیتواند از آن بیرون روند، زیرا خروجشان بسیار گران تمام خواهد شد در عین حال اینکه بقایشان هم گرانتر خواهد بود؟

– به رغم هر نیتی من فکر میکنم که آمریکاییها برنامه ریزهای خود را بیشتر برای انجام عمل جنگ تنظیم کرده بودند تا برای اوضاع بعد از جنگ. در مجله ارتباطات بین المللی Foreign Affairs در سال 2002 مطالعاتی انجام گرفت که اشاره داشت به اینکه مشکلات دوران بعد از اشغال بسیار بیشتر از اصل اشغال عراق است و بر

همین اساس، در مطالعات خود برآورد نموده بودند که بین سیصد تا پانصد هزار سرباز برای دوران پس از اشغال نیاز است و این چیزی است که در این جنگ انجام نگرفت. آمریکا در اشغال نمودن عراق به سادگی موفق شد، آنان میدانستند که ارتش عراق با ضربات وارده و سیزده سال تحریم اقتصادی توان مقاومت را نخواهد داشت. از آن سو ارتش عراق را باور بر این بود که آمریکاییها شهرها را به اشغال خود درخواهند آورد و برای این منظور مردم را برای مقاومت درون شهرها آماده کرده بودند. اما ارتش آمریکا به اشغال شهرها دست نزده بلکه به محاصره شهرها پرداخت و همه کوشش خود را بر آن قرار داد تا شهر بغداد را به اشغال درآورد و آن هم اتفاق افتاد.

من باور دارم که آمریکاییان در تنگنا گرفتار آمده و به درون باتلاق عراق سقوط کرده اند. آنگونه که گمان برده بودند کسی آنان را با حلوا و گل پیشواز نکرد. این درست است که عراقیها مقاومت نکردند، ولی به اشغالگران خوش آمد هم نگفتند. زیرا عراقیها تاریخی طولانی در مبارزه علیه اشغال با خود دارند. آمریکاییها عراق را به درستی نشناخته اند: از اصول فکری مردم عراق بیخبرند و از معنی عزت نفس در نزد عراقیها چیزی نمیدانند.

با وجود آن همه مراکز مطالعاتی چگونه آنان بی اطلاع بوده اند؟ – آنچهانکه وود ووز در کتاب اخیر خود به نام Plan of Attack توضیح داده است ماجراجویانی از قبیل: رامسفلد، ولفوویتز، دیک چینپ، رایت هیث، و پرل که مقدمات اصلی جنگ را فراهم آوردند اطلاعات درست و دقیقی از وضعیت فرهنگی منطقه خاورمیانه نداشته اند، برعکس وزارت خارجه آمریکا گزارش و اطلاعات با ارزشی در این زمینه فراهم آورده بوده که امروز مسیر جنگ عراق را مشخص میکند. اگر مقاومت علیه اشغالگران گسترش و شدت یابد – آن چنان که این روزها شاهد آنیم کرپلا، نجف، دیوانیه و . . . که به تازگی به جرگه مقاومت پیوسته اند – و قربانیان آمریکاییها در این جنگ افزایش یابد، مجبور خواهند شد خاک عراق را تخلیه کنند.

یکی از مزایای آمریکاییها پراگماتیسم صرف آنان است. آنان در این زمینه یکباره تا یکصد و هشتاد درجه تغییر مواضع میدهند. اکنون مسیر جنگ و ریاست جمهوری آمریکا در این مدار در حرکت است. این شرایط و این مقاومت تنها راه خروج آنان از عراق است. آنان میکوشند تا آخرین روز ممکن در عراق بمانند زیرا توطئه آنان بسیار گسترده تر از کشور عراق است.

به عقیده شما دست به دامان سازمان ملل و اخضر ابراهیمی شدن با ادعای انتقال قدرت به عراقیها، آیا کوششی در این جهت است که آمریکاییها میخواهند خود را از دام موجود رها کنند، آیا سازمان ملل میتواند آنان را نجات دهد؟

– نقش سازمان ملل آنطور که اخضر ابراهیمی مطرح نموده و کوفی عنان هم توافق کرده است، در ماه جون جلسه ای با شرکت یک هزار تا یک هزار و پانصد نفر تشکیل میشود که از میان خود یکصد تا یکصد و پنجاه نفر را به عنوان پارلمان مشورتی انتخاب میکنند. وظیفه این پارلمان مشورتی آماده سازی برای انتخابات عمومی در اوایل ژانویه دو هزار و پنج است.

همانطور که میدانید نظام صدام حسین برای همه از جمله برای کشورهای عربی مشکل ساز بود. اکنون او از میان رفته و ملت عراق به کمک برادران عرب خود نیازمندند. به نظر شما کشورهای عربی چگونه میتوانند به عراقیها کمک کنند؟

– به نظر من اگر کشورهای عربی شر خود را از سر ما کوتاه کنند بسیار باارزش تر است. آنان اگر قادر به کمکی بودند تنها به کمک آمریکا میآمدند، بدون کمک کشورهای عربی اشغال عراق انجام نمیکرفت.

کوششهای اخضر ابراهیمی از طرف برخی نمایندگان مجلس حکومتی مورد اعتراض قرار گرفته است. آنان میگویند که مردم عراق کوسفند نیستند تا ابراهیمی برایشان تصمیم گیری نماید، به نظر شما چگونه و با چه شرایطی امکان موفقیت اخضر ابراهیمی وجود دارد؟

– سنوآل مهمی است. اخضر ابراهیمی نه به درخواست سازمان ملل بلکه با پیشنهاد و اصرار آمریکا به این ماموریت گمارده شده است.

و درخواست "مجلس حکومتی"؟

است. شیعیان عراق به جز اقلیتی کوچک که ریشه ایرانی دارند بقیه اعراب ساکن عراقند که تشیع آنان به حدود 200 تا 300 سال می‌رسد. عده زیادی از آنان از شمال عراق به جنوب مهاجرت نموده و به وسیله علمای شیعه به تشیع گرویدند و بیشتر آنان با گرویدن روسای قبایل شیعه شده‌اند. سنی‌های عراق نیز نباید در مورد شیعیان عراق نگرانی به خود راه دهند. آنان اعراب عراق و بسیار وطن پرستند. در جنگ استقلال طلبانه 1920 غالب رهبران مبارزات از شیعیان عراق بودند و یا به طور مشترک شیعه و سنی با یکدیگر عمل کردند. حزب استقلال دارای رئیس شیعی و معاونت سنی بود. همه احزاب دیگر نیز چنین بودند. هیچگاه در عراق حزبی براساس طائفه ای معینی وجود نداشته است. ما در دانشگاهها با تفکر ملی گرای رشد کرده ایم، استادان ما بعضا سنی و قسما شیعه بوده‌اند. روی این موضوع سنی و شیعه و یا کرد نمی‌شود سرمایه گذاری نمود. اینکه می‌گویند در زمان صدام بیشترین ظلم در حق شیعه‌ها و کردها انجام گرفته، من در اینجا آنچه را که باید بگویم این است که نظام صدام حسین برحسب خطری که از فرد، گروه و یا حزبی نسبت به خود و نظام احساس میکرد به عکس العمل دست میزد، جنایات صدام را باید در این چهارچوب بررسی نمود. جنایت وی را در دوران خود در مورد نجف و فلوجه شاهد بودیم.

در مورد حکومت بعد از ماه جون گفته میشود که این "دولت" صلاحیت بستن قرارداد با این و یا آن کشور و موسسه را ندارد، لذا بر این اساس آنان نمیتوانند قرارداد بقاء پایگاههای آمریکا را نیز در خاک عراق امضاء نمایند. چنان قرارهایی به آینده ای موکول خواهد شد که دولتی با صلاحیت کامل بر سر کار آید، نظر شما چیست؟

این بستگی به سازمان ملل دارد که آیا میخواهد وجهه ای ظاهری به اشغالگری آمریکا بدهد و یا اینکه به طور جدی خواستار آزادی عراق است. و این بستگی به توافق آمریکا دارد. اگر بنا بر بقاء نیروهای اشغالگر در عراق گذاشتند، در آن صورت مقاومت شدت خواهد گرفت و با وجود مقاومت امنیت و انتخابات بی معنی خواهد بود.

اطلاعات شما از این مقاومت تا چه اندازه است؟ آیا آنان پراکنده و خودسر عمل میکنند، آیا این مقاومت دارای سازماندهی است، به خارج از عراق ارتباط دارد، و چند نوع و چگونه مقاومتی در درون عراق هست؟

از زمان سقوط بغداد تاکنون گزارشات گوناگونی در مورد مقاومت انتشار یافته است. بعضی می‌گویند که از يك سال پیش از سقوط صدام این نیروها آماده و تربیت شده بوده‌اند، حتی در گزارش "اسکات ریتز" آمده است که از سال 1996 جاهای متعددی مورد بازدید وی قرار گرفته بود که مشغول دیدن آموزش ساخت بمبهای دستی و دیدن دوره های نظامی برای جنگ شهری بوده‌اند و در گزارشهای در جاپی آمده که عده ای در آموزشگاهی مشغول آموختن ساخت انواع منفجرات، مینهای مختلف برای تخریب و انفجار تانک، آموزش میدیده‌اند. در مورد جنگ شهر فلوجه، آمریکاییها در ابتدا بر این باور بودند که خارجیا در این شهر نفوذ کرده و علیه آنان می‌جنگند. اما با پایان یافتن جنگ فلوجه آنان در گزارشات رسمی خود اذعان داشته‌اند که نسبت خارجیا در فلوجه تنها يك درصد بوده است. از طرفی برای آنان ثابت شد که اسلحه های مورد استفاده مردم همه اسلحه های سبک و غالبا دست ساز بوده است. همین گزارشات اضافه میکند که میان مجموعه نیروهای جنگنده در عراق از بغداد تا فلوجه، رمادی، موصل و کرکوک يك نوع هماهنگی منظم وجود دارد.

به نظر شما اتاق کار مشترک و محرمانه ای کار نیروهای مقاومت را هماهنگ میکند؟

میتوان گفت نوعی برنامه ریزی مشترک در کار است تا حداقل از به دام افتادن نشان جلوگیری. البته مشکل است بتوان گزارشی دقیق از چگونگی کار آنان ارائه داد، اما بیانیه های مشترکی که به نام "رهبری عمومی مقاومت ملی" منتشر گردید، نشان دهنده ارتباط منظم میان آنهاست.

آیا سازمان "القاعده" در عراق فعال است؟

تاکنون این امر ثابت نشده است. تحقیقاتی که آمریکاییها انجام داده‌اند بویژه پس از انفجار مراکز سازمان ملل، قتل حکیم و دستگیریهایی که انجام شد نشانی از القاعده در میان نبوده است.

مجلس بی اراده حکومتی نه کم نه زیاد. آنان فقط خواسته های "پل برمر" را به اجرا درمی‌آورند، آنان مشغول برکماری کسان خود به پستهای مختلف و سوءاستفاده مالی از شرایط فعلی هستند و نقش آنان نیز بسیار محدود خواهد بود. مخالفت بعضی اعضای مجلس حکومتی از آن روست که آنان نقش خود را پایان یافته مبینند زیرا آن چنان که ابراهیمی در نظر دارد غالب انتخاب شوندگان "تکنوکرات" خواهند بود و افراد و اعضاء وابسته به احزاب سابق نقشی در تشکیل مجلس و حکومت آینده نخواهند داشت. حتی ریاست مجلس نیز به عهده سه نفر غیرحزبی خواهد بود.

قانون اداره کشور امروز در مطبوعات گفته شده که بعضی از اعضای مجلس حکومتی تهدید کرده‌اند که قانون فعلی اداره کشور را تحریم خواهند کرد. گویا خود اینان واضح آن بوده‌اند. آنها به این فکر مشغولند که در روز سی ام جون قدرت به چه کسی منتقل خواهد شد، آیا قدرتی که به عراقیها محول میشود کامل یا ناقص خواهد بود؟ عراقیها خواستار حاکمیت کامل خود بر کشور هستند، برعکس آمریکاییها گونه دیگری میاندیشند. این وضعیت موجب تقدم یا تاخر انتقال قدرت نخواهد شد؟

فرقی است میان آنچه آمریکاییها میخواهند و آنچه را که اخضر ابراهیمی از طرف سازمان ملل متحد مامور آن است. میدانم که اخضر ابراهیمی دست به کاری نخواهد زد که موجب سرپوشی برای سلطه آمریکا بر عراق گردد.

آیا به نظر شما وی پوششی بین المللی برای تنگنای آمریکا در عراق به وجود خواهد آورد؟

وی به چنین کاری دست نخواهد زد. این کار ممکن است به وسیله سازمان ملل یا مصدر دیگری انجام گیرد اما اخضر ابراهیمی به این کار دست نمیزند زیرا به حیات سیاسی خود در سازمان ملل پایان خواهد داد. اما آمریکا بنا دارد همان سیاستی را که در مورد مجلس حکومتی دارد در مورد دولت آینده عراق نیز ادامه دهد، ابزاری در خدمت منافع وی. شما تصور کنید از هم اکنون آمریکاییها آشکارا بیان داشته‌اند که هر نوع حکومتی در عراق بر سر کار آید، باید با آنان معاهداتی را در مورد بقاء پایگاههای نظامی آمریکا در عراق به امضا رساند. چگونه آنان این درخواست را پیشاپیش از حکومت آینده عراق دارند، چگونه میدانند که حکومت آینده عراق چنین قراردادهایی مبنی بر بقاء پایگاههای نظامی آمریکا با آنان امضاء مینماید! کشور عراق در گذشته مبارزات زیادی را علیه وجود هر نوع پایگاه نظامی بیگانه در خاک خود داشته است، بسیاری در این راه فداکاری کرده و جان باخته‌اند و این مبارزات حتی در سالهای قبل از انقلاب سال 1958 انجام گرفته و در مراحل بعدی آنان پیمان استعماری بغداد را نیز لغو نمودند. (1) عراق هیچگاه به وجود پایگاه نظامی بیگانه در کشور خود رضایت نخواهد داد، این پایگاهها برای چیست؟ ملت عراق باید قانع شود که چرا این پایگاهها باید در عراق باشند؟

باور من این است که حکومت آینده باید بر بنیان های حزبی نباشد، ریاست، معاونت و نخست وزیر باید افرادی تکنوکرات و غیروابسته باشند و هیچ وابستگی نیز به آمریکا نباید داشته باشند. اضافه بر همه اینها من اکنون نمیدانم که موضع سازمان ملل نسبت به این مسئله غیرقابل بحث که انتخابات با وجود سلطه خارجی در کشور مفهوم آزاد را نخواهد داشت، چیست؟ و اگر قرار است انتخابات آزادی در ماه ژانویه 2005 برگزار شود، سازمان ملل باید با تصویب مصوبه ای از نیروهای خارجی آمریکایی و غیرآمریکایی بخواهد تا همه نیروهای خود را تا آخر ماه دسامبر از عراق خارج کنند.

چه کسی امنیت را برقرار خواهد کرد؟

مگر اکنون در عراق امنیت وجود دارد؟

جنگ داخلی

حداقل اینکه جنگ داخلی درگیر نخواهد شد.

مدت زیادی روی این مسئله کار شده، بارها از مسئولان آمریکایی شنیده ام و نوشته شده که با رفتن آمریکاییها جنگ داخلی درگیر خواهد شد. نه برادر، باید بگویم که چنین چیزی اتفاق نخواهد افتاد. آنان میکوشند که میان شیعه و سنی و سپس میان هر کدام از آنها نیز تفرقه بیندازند. در تاریخ عراق هیچگاه اتفاقاتی از این نوع وجود نداشته و نباید پنداشت که آنچه در لبنان پیش آمد در عراق قابل وقوع است. در عراق وضعیت کاملا با لبنان متفاوت

تأثیرگذار باشد. این کتابها عبارتند از Against All Enemies از ریچارد کلارک یکی از مسئولان عالی‌رتبه دولت بوش در امر تروزیسم، کتاب "اونیل" وزیر دارایی مستعفی آمریکا و دو کتاب دیگر به نامهای: "Bush At War" و "Weapons of Mass Deception" از باب وود. این کتابها افشاگرهای بسیار مهم و موثری درباره سیاستهای دولت فعلی به عمل آورده اند که میتواند بر جامعه سیاسی آمریکا موثر باشد.

#### ----- زیر نویس :

- پیمان بغداد، قراردادی استعماری و مشترک میان آمریکا، انگلیس، ایران و ترکیه بود که در حقیقت علیه شوروی سابق عمل میکرد. با لغو پیمان بغداد در فردای انقلاب و استقلال عراق، پس از چندی پیمان نامه سنتو شامل آمریکا، انگلستان، ایران، ترکیه و پاکستان، به جای آن منعقد شد.

- با وجود تحقیقات فراوانی که توسط آمریکاها انجام گرفته تاکنون فعالیت "القاعده" در عراق مورد تأیید قرار نگرفته است  
- عراقیها تاریخی طولانی در مبارزه علیه اشغالگری با خود دارند، آمریکاها عراق را به درستی نشناخته و از عزت نفس مردم چیزی نمیدانند پیروزی بوش در انتخابات آمریکا، ما را به شرایط سالهای پس از جنگ اول جهانی پرتاب خواهد کرد  
- بدون کمک کشورهای عربی اشغال عراق انجام نمیگرفت .

### تحصن 5 هزار کارگر در ارومیه

روز 16 خرداد ماه قریب به 5 هزار تن از کارگران شهرهای مهاباد، پیرانشهر، سردشت و اشنویه جهت دریافت حقوق پرداخت نشده خویش در مقابل اداره کار ارومیه دست به تحصن زدند. رادیوی حزب دموکرات کردستان ایران - بخش کردی (22 خرداد) که این خبر را اعلام کرد افزود " تا هنگام ارسال این گزارش، این تحصن ادامه داشته است."

### تحصن کارگران راه آهن اندیمشک

جمعی از کارگران راه آهن شهرستان اندیمشک به دلیل عدم دریافت طلب حق محرومیت و حق جنگی خود در مقابل ناحیه راه آهن اندیمشک اقدام به تجمع کرده و از رئیس ناحیه در این مورد توضیح خواستند. به گزارش ایلتا فرهاد ظهور پرواز رییس ناحیه با حضور در جمع کارگران و کارمندان گفت: برخی از بخش نامه ها از مرکز اعمال می شود و ما هیچ گونه دخل و تصرفی در آنها نداریم و سیاستگذاری با ما نیست، بلکه ما مجری سیاستیم و راه آهن اندیمشک هیچ وجهی را بابت حق محرومیت و جنگی دریافت نکرده است ولی ما تمام سعی و تلاشمان را به کار می گیریم تا نظریات شما را به گوش مسوولین برسانیم. این در حالیست که برخی از کارمندان و کارگران راه آهن حق جنگی دریافت کرده اند که از آن جمله خود نماینده کارگران تحصن کننده است و حدود 10% از کارمندان و کارگران حق جنگی دریافت نموده اند و دیوان عدالت اداری کشور راه آهن را محکوم نمود که موظف است حق جنگی و محرومیت کارمندان و کارگران را پرداخت نمایند چون اندیمشک به عنوان منطقه جنگی شناخته شده است. یکی از کارکنان راه آهن در گفت و گو با خبرنگار ایلتا گفت: عمده مشکل ما دریافت نکردن حق جنگی است، در حالی که تعدادی با حکم دیوان عدالت اداری حق جنگی خود را دریافت کرده اند و دیوان عدالت اداری اقدام به صدور حکم دسته جمعی کرده ولی مدیران پرداخت نمی کنند در حالی که دولت اعلام کرده که وجوه فوق باید پرداخت شود.

### تجمع سراسری پرستاران در روز چهارم تیرماه

" جمعیت اسلامی پرستاران " با صدور اعلامیه ای خواستار تجمع سراسری پرستاران در روز چهارم تیرماه شد. روابط عمومی این جمعیت اعلام کرد: مسئولان وزارت بهداشت جز دادن وعده و وعید هیچ فعالیت موثری در جهت رسیدگی به مشکلات پرستاران انجام ندادند. جمعیت مزبور پرستاران را به برگزاری تجمعات سراسری در روز پرستار که چهارم تیرماه است فراخواند.

آمریکاییها نتایج تحقیقاتشان را نه انتشار داده و نه چیزی را در این مورد بیان کرده اند. چرا منتشر نمیکنند؟ در مورد انفجار سفارتخانه ها و کشتار بیگانهان، فکر نمیکنم اینها مربوط به نیروهای مقاومت عراقی باشد، هدف از این اعمال تخریب چهره مقاومت ملی در عراق است. اکنون مدتی است تهاجم به هلتهای و سفارتخانه ها فروکش کرده است. امروز در عراق بر همگان روشن شده که بسیاری از ماموران "موساد" وابسته به اسرائیل در عراق فعالند و چیزهای بسیاری اینان به آمریکاها آموخته اند. مشابهت های فراوانی میان آنچه که در عراق و سرزمینهای اشغالی فلسطینی میگذرد، وجود دارد.

توزیع مناصب و قدرت دولتی به نظر شما به هنگام تشکیل دولت تازه موقت، آیا درگیریهایی میان نیروهای مختلف برای شرکت در قدرت به وجود نخواهد آمد، مثلا در مورد کردها که تحت شرایط تازه و با وجود آمریکا در عراق زمینه را برای درخواستهای خود مناسب میدانند و یا سایر نیروهای موجود در عراق، این مسئله پیچیده را چگونه ارزیابی میکنید؟  
- به نظر نمیرسد تا قبل از ژانویه 2005 که دولتی حقیقی با صلاحیت سیاسی بر سر کار آید مشکلات آنچنانی بروز نماید. البته اگر در این فرصت نیروهای آمریکایی و سایرین کاملا خاک عراق را تخلیه کنند. پس از آن و با شروع انتخابات آزاد این مسائل به طور جدی در میان نیروهای مختلف مطرح خواهد شد.

چه کسی قانون انتخابات را خواهد نوشت؟

- قانون انتخابات را دولت موقت فعلی خواهد نوشت و براساس آن انتخابات انجام خواهد گرفت. اما قانون اساسی کشور عراق را مجلس منتخب ملی، پس از خروج نیروهای بیگانه از خاک عراق به تصویب خواهد رساند. من در اینجا موضوع مهمی را باید تأکید کنم که عراق برای سازندگی کشور و تعمیر خرابیهای ناشی از جنگ به هیچگونه کمک خارجی نیاز ندارد. در یک سال گذشته مبلغ 8 میلیارد دلار نفت از عراق خارج شده است. اینکه میگویند عراق برای راه اندازی تاسیسات نفتی خود به هیجده میلیارد دلار نیاز دارد، دروغی پیش نیست.

براساس گزارش بسیار دقیق توسط یکی از متخصصان نفت کشور عراق که در مجله MEES به چاپ رسیده، چنین آمده است: عراق برای اینکه بتواند تاسیسات نفتی خود را به طور کامل و آنچنان راه اندازی کند که سطح تولید روزانه را در حد 5/5 میلیون بشکه برساند، به یک میلیارد دلار نیاز دارد، و این پول را میتوان از بانک رافین کشور عراق وام گرفت. باز در همین گزارش آمده است که اگر عراق بخواهد سطح تولید نفت خود را حتی تا یک میلیون بشکه در روز بیشتر از قبل برساند یعنی 6/5 میلیون بشکه در روز، به مبلغی در حدود یک میلیارد و دویست میلیون دلار نیاز دارد.

پس از جنگ خلیج در سال 1991 دولت عراق توانست به مدت شش ماه همه خرابیهای جنگ را دوباره سازی کند، پلهای تخریب شده تعمیر شدند، آب، برق، تلفن و سایر خدمات اجتماعی راه اندازی شد. اکنون یکسال و نیم از پایان جنگ میگذرد، هنوز خدمات اولیه مردم تامین نشده و آب و برق شهر هر سه ساعت قطع میشود، سایر خدمات عمومی نیز در عراق اینگونه اند.

آیا ما در پایان ماه جون امسال شاهد تولد عراقی دموکراتیک خواهیم بود یا اینکه مرحله مشقت بار و پرنرنجی را در پیش رو خواهیم داشت، شما آینده را چگونه ارزیابی میکنید؟

- به نظر من اوضاع عراق، کشورهای عربی و همسایه عراق و وضعیت جهانی بستگی به حل مسئله عراق دارد. امسال سالی است که سرنوشت بسیاری چیزها تعیین میشود. اگر بوش مجدداً به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شود، دوره پر از رنج و مشقت آغاز خواهد شد و میتوانم بگویم ما به دوره پس از جنگ جهانی اول پرتاب خواهیم شد.

موفقیت یا شکست بوش در انتخابات نیز به دو امر بستگی دارد. یکم شدت مقاومت مردم در عراق برای آزادی سرزمین خود از استعمار آمریکا و اینکه این مقاومت تا چه حد بتواند آمریکا را وادار به عقب نشینی کند، و دوم اوضاع داخلی آمریکا. در درون آمریکا معمولاً مسئله اقتصاد بسیار پراهمیت است. اما اکنون مسئله سیاست در آمریکا حاد شده و غلبه پیدا کرده است. کتبی که در این اواخر در آمریکا انتشار یافته بسیار بااهمیت است و میتواند



## نگذاریم مردم بم و آن کمک ها فراموش شوند !

**یاد داشت :** از ۵ دی ۱۳۸۲ وقوع حادثه دهشتناک بم به این سو، در مطبوعات ایران، شاید و بیگمان دهها مقاله و گزارش در مورد زلزله نوشته شده است. بعد از این مصیبت، نگاه عمومی انسیستیوژنوفیزیک دانشگاه تهران و مجامع علمی به زلزله و گسل های زلزله خیز کشور جلب گردید. عباس مهدویان متخصص زلزله شناسی «وجود گسل های فعال در تهران راه دفعات تأیید کرد» هریک از آنان به کرات و با شدت وضع معینی، با هشدار خویش به قدرت مداران و دولت مندان رژیم اسلامی، به زبان آوردند تا اینبار از یک سو وظیفه آنان را در برابر قدرت تخریبی زلزله، فی المثل در صورت وقوع ناهنگام اش در تهران بزرگ جلب کنند و از سوی دیگر امکان عملیاتی کردن قدرت دفاعی مردم را در برابر این حادثه احتمالی چند برابر سازند!

آنچه در عصر جمعه هشتم (۸) خرداد ماه تهران و شهرهای شمالی کشور را لرزاند، نشان داد که آن هشدارها از اهمیت بی شائبه ای برخوردار بوده و است. دولت و مقامات امکان واکنش سریع در مقابل چنین حادثه اسفباری را نمی توانند از خود نشان دهند. عمق حوادث نشان داده است تا به امروز گزارش آماری واقعی از زلزله اخیر که مهر و نشان یک مقام دولتی را با خود داشته باشد، انتشار نیافته است. هر کس به زبانی صفت مدح خویش می گوید! رسیدن عکسهای تخریبی زلزله از جای جای شمال ایران و جاده چالوس به شبکه اینترنت جهانی، نشان از ایران شدن دهها روستا و سرابزیر شدن هزاران هزارتن از مردم چالوس، کرج، خمین و تهران بادلشوره و هراس به کوچ و خیابان ها و سرگردن چندین شب در پارک ها، غلغله ای بوده و است از دهشت و وحشت بجای مردم، چرا که هنوز زلزله بم فراموش نشده است. زلزله ای که بالای ۵۰ هزار نفر را کشت و بیهوش از ۲۰ هزار تن را مجروح و مصدوم نمود. با اینکه مردم از سراسر جهان و همه جای ایران به کمک هم نوعان خویش شتافتند. کارگران از حقوق و زحمت روزانه خود رزند، کارمندان دولت چنین کردند، شاعران، نویسندگان، ورزشکاران، هنرمندان موسیقی، سینما، فیلم و عکاسی و... با تلاش خود خلاقیت های خویش را به خدمت گرفتند. مردم کوچ و بیزار خون دادند، پول دادند، امداد رساندند، اما و اما از آن صبح دم سرد و بیمناک دی ماه بم تا این بعد از ظهر خردا در گرم و کوشنده اش، دریغ که هنوز هم رگ و جان و حیات، دگر باره برای متعادل نگهداشتن زنده گان و التیام آلام آنان به بم ویران بازنگشته است. امروز تهران نشینان و همه جای ایران با عمق نگاه خویش و بایمی فراینده دریافتند، آنچه راکه دریم از صحنه تلویزیون های خود، شاهدش بودند در اینجا (ایران) جان انسان به بهای ارزن ای در نزد حاکمین نمی ارزد. شاهدش بودند، در شرایطی که بمی ها به مقامات اطلاع داده بودند. که چند روزی است، غرش زمین را می شنوند و زمین می لرزد. ولی کسی به دادشان نرسید. این است که مردم چاره کارابری اعتمادی به دولت و توجه به خود انکایی خویش کرده اند. اینجا مساله حکومت، مساله جان و انسان و جهان نیست مهم برای آنان برسرنیزه نشستن است و به دامان قدرت چسبیدن و آنرا به گاه نیاز از نیام برکشیدن!

باری امروز مردم استان های مرکزی و ویژه تهران، با خواب زلزله و درگذران بیم و هراس خود و فرزندان شان. شیها رادر هوای خوش بهاری و بیرون از خانه، درون پارکها و جنگل های اطراف سر بر زمین می گذارند. اینبار هم، مسئولین نظام در کنار عجزه امام های جمعه بر زبان کشک سخن می رانند: اگر تهران بزرگ بلرزد ۵ میلیون ها تن به زیر آوار مانند و جان سپارند، این مصیبت را به «خواست و اراده الهی» و «قضا و قدر» و «امتحان پروردگاریکتا» در حق «گناهان زیاد بندگانش» باید نوشت!

آری امروز ما مراجعه به دانش پژوهی و آموزه های علمی مشخص است که، بار علمی بروز زلزله و لرزش زمین در این خلاصه می شود که هر لرزش زمین تنها و تنها حرکت زمین برای تخلیه از فشارها و رسیدن به تعادل ست و این انسانها و جوامع اند که باید، آنرا بیستاسند و با آن سازگاری یابند. مثل زمین لرزه ۶/۵ ریشتری کالیفرنیا که یک هفته قبل از زلزله ای بم روی داد، تنها دو نفر کشته و چند ساختمان آسیب

دیده از خود بر جای گذاشت (روزنامه شرق، شنبه ۴ بهمن ۱۳۸۲) اما در بم بالای پنجاه هزار نفر کشته شدند و ۸۰ تا ۹۵ درصد ساختمان ها تخریب و بالای ۲۵ تا ۳۰ هزار نفر مصدوم گشتند و شگفتا که (دکتر احمدی نژاد شهردار نامی تهران) قصد دارد، اینبار از طریق خوابهای مومنین، مردم را از وقوع زلزله آگاه کند (به نقل از سایت بامداد) نشنیده ای که طنزپردازان نامی از قدیمی ترین ایام گفته اند: «تا ابله در جهان است، مفلس در نمی ماند؟!» باید با صدای رسا به مردم کشور و جهان اعلام کرد: این هزاران هزار نفر کشته و تخریب اصلا و ابدا، حاصل زلزله نیست بلکه حاصل بی خردی و دیروزی های حکومتگرانی است که بر روی میلیاردها دلار اندوخته نفتی مملکت نشسته نادر ساخت محیط اجتماعی مان و اتوانانیهای خود مدیریت خویش، پرده استار کشند و در لحظات التهاب و خشم بقرار مردم، پای «امتحان الهی» را بر زبان رانند تا مردم معتقد خود باور را فریبند! در گذشته و در حق زلزله بوئین زهرا و طبس در رژیم پهلوی ها، شاه و کارگزاران نظام اش نمونه آن سوء مدیریت بودند و امروز خمینی، خامنه ای، رفسنجانی، خاتمی و دهها عمده ریز در شتشان، حاصل این سوء مدیریت و زدگی های سرگردن اند. خاتمی در وقت ارائه لایحه بودجه سال ۸۲ به مجلس از رشد هفت و دو (۳/۷) درصدی تولید ناخالص ملی یعنی «بالا ترین رشد اقتصادی جهان» حرف می زد و مادر همان شرایط، شاهد سقوط یک شهر به تمامی هستیم! سقوط شهری که کشتار چند نسل را با خود به همراه داشت، همین کشتار نشان عقب ماندگی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی سیاسی و در یک عبارت، فلاکت و وامانده گی مملکتی است که به خاک سپاه اش نشانده اند. زلزله بلانیست، بلاموجودیت نظامی است که، خود اکت و شرممکن می باشد و بلاموجودیت ناهنگام اش، زمین لرزه جان جامعه ۷۰ میلیونی ما است. بایدومی توان آنرا با زمین لرزه سالگرد ۱۸ تیر در هم آمیخت و از شر این آفت رها شد!

اشاره: پیشتر هم آوردم برای این بخش از مقالات اسناد و مدارک گسترده و ارقام قابل شمارشی فراهم آمده است. با یکدیگر به مرورش بنشینیم!

اسناد سخن میگویند: مقامات و مسئولین دولتی و اظهارات آنان پیرامون کمک ها...:

به گزارش خبرگزاری ایران\_ ایسنا، رئیس جمهور خاتمی گفت: «گرچه در آواخر سال ۸۲ تنگناهایی داشتیم، اما اولویت را به دادیم» وی افزود: «۷۰۰ میلیارد ریالی که ۳۰۰ میلیارد آن پرداخت شده بود، رادرا اولویت قرار دادیم و همزمان با آن حقوق و مزایای پرداخت شده به علاوه ۲۰۰ میلیارد تومانی که در سال جاری در نظر گرفته شده است و ۱۴۰ میلیارد تومانی که برای بازسازی در نظر گرفته شده است و ۲۴۰ میلیارد تسهیلاتی که هنوز استفاده نشده است و می شود» خاتمی ادامه داد: «در بازدید ۴ ساعته ای من از بم، یک نقطه شگفت انگیزی وجود داشت و آن این بود که گله و شکایات بودولی اعتراض و پر خاش نبود!» خبرگزاری ایسنا، سه

شنبه ۲۵ فروردین ۸۲، به نقل از سایت گويا (news.gooya.com) در برابر این فرمایشات خاتمی، روزنامه شرق چند روز پیشتر گزارشی می دهد: «اعتراض های زلزله زده گان بم علنی شد و به خیابان ریختند و درگیری هشت ساعته بم تلفات جانی نداشت» (شنبه ۱۶ اسفند ۸۲ برابر ۶ مارس ۲۰۰۴) و این اعتراضات به دفعات و به اشکال گوناگونی ادامه داشته و دارد!

شنبه ۱۳ دی ۱۳۸۲ در مطبوعات ایران آمده است: تا روزدهم دی ۸۲ \_ روز بعد از زلزله بم در مجموع ۴ دستگاه تریلی، ۷۴ دستگاه کامیون، ۵۲ دستگاه سواری و محموله های غیر نقدی به ارزش ریالی ۵۰۰/۶۱۰/۷۹۰ به منطقه ارسال داشتند و همچنین کمک های نقدی جمع آوری شده به مبلغ ۸۶۶/۴۱۶/۵۰۶ ریال می باشد»

\_ محمد علی کریمی استاندار کرمان در روز شنبه ۶ دی ۸۲ در نشست با معاون اول رئیس جمهوری و جمعی از مسئولان و نمایندگان مجلس در شهرستان زلزله زده بم، خسارات ناشی از زلزله بم را فوق العاده سنگین توصیف کرد. او گفت: شب گذشته ۱۵ هزار تخته چادر و پتو بین زلزله زدگان توزیع شده است. (سایت خانه ملت، شنبه ۶ دی ۱۳۸۲) \_ این خبر را پیشتر نیز آورده بودم ولی این روایت

دیگرست از قول دکتر احمدعلی نوربالا مقام مسئول جمعیت هلال احمر، رئیس این جمعیت با اکراره اظهار می دارد: «در مجموع کمک های نقدی واریز شده به شماره حساب داخلی این جمعیت ۱۴۲ میلیارد و ۲۹۵ میلیون ریال و ارزش نقدی مسکوکات و طلاجات اهدایی ۸۰۲ میلیون و ۶۲۵ هزار ریال است و تاکنون از ۱۱ میلیون و ۸۸۶ هزار و ۱۸۰ دلار تعهد کمک نقدی خارجی، فقط یک میلیون و ۹۴۸ هزار و ۷۱۵ دلار دریافت کرده ایم و جمع محموله های اهدایی ۷۷ کشور خارجی به چهار هزار و ۴۴۲ تن بوده است» وی اضافه می کند: «جمعیت هلال احمر به تنهایی ۴۷۱ میلیارد و ۲۹۹ میلیون و ۶۲۰ هزار و ۶۷۵ ریال به زلزله زدگان کمک کرده است» رئیس جمعیت هلال احمر ادامه می دهد: «برای اطلاع از چگونگی وصول کشور های خارجی، البته یک راه دیگر هم وجود دارد، مراجعه به سفارتخانه های کشورهای که علیرغم تعهد کمک، کمک های مالی خود را به حساب ارزی این جمعیت واریز نکرده اند، کسب اطلاع از چگونگی واریز وصول این کمک ها فراهم می آید» (روزنامه شرق، سه شنبه ۱۹ اسفند ۱۳۸۲، شماره ۱۴۷)

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایسنا چهارشنبه ۱۵ بهمن ۸۲ شنیعی فرماندار ابرام اعلام داشت: «میزان کمک های نقدی داخلی به زلزله زدگان بم ۱۲ میلیارد تومان بوده و این رقم در اختیار ارگانهای هم چون هلال احمر است که از این محل برای زلزله زده گان مایحتاج غذایی و ۰۰۰ تهیه می کنند» سرپرست کمیته امداد امام خمینی اعلام کرد: «این نهاد تاکنون بیش از ۳۰۰ میلیارد ریال از کمک های نقدی و غیر نقدی مردم را برای زلزله زدگان شهرستان بم جمع آوری کرده است» در همین رابطه رضا منیری از جانب روابط عمومی این نهاد اعلام کرد: «۷۴ میلیارد ریال از این کمک های نقدی و ۲۲۶ میلیارد ریال غیر نقدی بوده است» (روزنامه همشهری، شنبه ۴ بهمن ۸۲، شماره ۲۳۹۲)

فتحی نژاد رئیس ستاد وزارت نفت اعلام کرد: «ستاد کمک رسانی وزارت نفت به منظور جلوگیری از شیوع بیماری های واگیر، به سرعت ۸۲ کابین حمام صحرایی، ۱۰۴ کابین توالت صحرایی به شهرستان بم فرستاده است» همچنین گفته شده: «وزارت نفت ۲ فقره چادر ۴۰۰ نفره اجتماعات با امکانات کاربریهای مختلف از جمله: تاتر، سینما، محل مراسم و سخنرانی و سالن سرپوشیده ورزشی به مردم شهر بم اهداء کرده است که به این شهر ارسال شده، بلافاصله پس از نصب، به مسئولان محلی تحویل خواهد شد» (روزنامه همشهری، ۱۲ دی ۸۲، شماره ۲۳۷۱)

محمد رضا تابش، عضو هیات رئیسه مجلس ششم اعلام داشت: «بخش اداری و مالی مجلس مبلغ ۵۰۴ میلیون و ۹۵۸ هزار و ۱۴۴ ریال بابت کمک به مردم زلزله زده بم به حساب ۱۱۱۱۱ جمعیت هلال احمر واریز کرده است» تابش افزود: «همچنین از اهداء ۱۰۰ واحد خون توسط نمایندگان مجلس خیرداد» (سایت خانه ملت، یکشنبه ۷ دی ۸۲)

به گزارش واحد مرکزی خبر: «یونان بت کلیا از آشوریه و کلدانی ها خواست کمک های نقدی خود را به حساب کمک های مردمی آشوریهای ایران در بانک تجارت تهران شعبه اردیبهشت ۳ شماره ۱۴۱۵۹۱۲۵۹۱۰۰ اوریز کنند و هدایای غیر نقدی خود را از کلیساهای چهرگانه آشوری وکلدانی ایران و انجمن آشوریهای ایران و شهرستان تحویل دهند» (سایت خانه ملت، دوشنبه ۸ دی ۸۲)

به گزارش واحد مرکزی خبر: «پوشاک گرم، غذای کنسرو شده، مواد شوینده و پاک کننده، وسایل سرگرمی برای کودکان بازمانده و اقلام غذایی از کمک های دانش آموزان و کودکانی است که به زلزله زدگان بم هدیه می دارند» در ۲۷ منطقه آموزش و پرورش شهرستان های استان تهران نیز بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار دانش آموز در مناطق مختلف تحصیل می کنند که در این کار مشارکت دارند» (روزنامه همشهری، سه شنبه ۹ دی ۸۲، شماره ۲۳۶۷)

دکتر محمد تقی یاسمی مدیر کل اداره بهداشت روان وزارت بهداشت درباره بودجه موجود برای اجرای برنامه های بهداشت روان در منطقه زلزله زده بم گفت: «در حال حاضر یونیسف به طور داوطلبانه ۲۰۰ میلیون تومان بودجه برای اجرای برنامه سلامت روان در منطقه در نظر گرفته که تاکنون حدود یک سوم از این رقم پرداخت شده است و عمدتاً برای دستمزد روانپزشکان و روانشناسان مستقر در منطقه، خرید وسایل ضروری برای کودکان،

مخارج گروه های اعزامی و برنامه ها و کارگاه های آموزشی و وسایل کمک آموزشی صرف شده است» (روزنامه شرق، دوشنبه ۲۵ فروردین ۸۳، شماره ۱۶۴)

روزنامه شرق خبری دهد: «جمعیت هلال احمر بر اساس ماده ۴۴ قانون برنامه سوم مسئولیت جمع آوری کمک های مردمی را به عهده دارد، اما این در حالی است که در زمان بحران روزهای پس از آن نهادهای و دستگاه های مختلف تا اعلام شماره حساب های متعدد، سعی در جمع آوری هر چه بیشتر این کمک ها کرده و می کنند» سؤال این است: این نهادها و دستگاه های مختلف کدام ها بودند و هستند؟؟؟؟؟؟ (روزنامه شرق، شنبه ۲۰ دی ۸۲، شماره ۱۱۱) بلافاصله در سایت اخبار روز آورده شده است: «حتی رئیس هلال احمر جمهوری اسلامی، هم نمی داند دلارهای کمکی خارجی ها به زلزله زده گان در دست کیست؟» (www.iran-chabar.de)

باز هم در همان روز طی گزارشی در روزنامه شرق آمده است: «کمک های خارجی و داخلی به آسیب دیده گان بم از نخستین روزها به طور تقریبی بیش از یک میلیارد دلار برآورد شده است و هنوز از سوی بسیاری از کشورهای ادامه دارد» اما با وجود حجم گسترده این کمک ها، آسیب دیدگان بم همچنان در وضع نابسامانی به سر می برند» (روزنامه شرق شنبه ۲۰ دی ۸۲، شماره ۱۱۱) و سرانجام وبلاگ آرش گیلان چی در روز شنبه ۲ بهمن ۸۲ می نویسد: «رئیس صندوق رفاه وزارت بهداشت از اختصاص ۲۰ میلیون تومان کمک به دانشگاه های بم خبر می دهد» (gilani.persianblog.com)

باز هم در همان روز طی و قول های مستند، سؤال افکار عمومی مردم سراسر ایران و بویژه چشمان به انتظار نشسته مردم بم، همچنان در پی پاسخ این سؤال است: این همه کمک ها نقدی و جنسی به کجا سرازیر شده اند و چه کس و کسانی پاسخگو می باشند؟! این سلسله مقالات پیرامون مسائل مالی ادامه دارد. شما هم یاری کنید تا با هم بنویسیم!!

## 22 خرداد 83

### اعتصاب مجدد کارگران کشت و صنعت مغان

به گزارش "رویداد"، جمعی از کارگران و کارمندان شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان (واقع در شمال غربی ایران)، از روز دوشنبه 18 خردادماه، پس از 48 ساعت توقف اعتصاب خود، در اعتراض به عدم تحقق خواسته هایشان مجدداً دست از کار کشیدند. به گزارش خبرنگار «رویداد»، حدود سه هزار نفر از کارگران و کارمندان این شرکت با تجمع در شهرک شهید غفاری پارس آباد همچنان بر پرداخت اضافه کاری، مطالبات باقی مانده از پارسال و برکناری مدیرعامل و دیگر اعضای هیأت مدیره این شرکت تأکید کردند. این سومین اعتصاب و برگزاری تجمع اعتراض آمیز کارگران و کارمندان شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان است.

### اعتراض کارگران آلومینیوم سازی اراک

«کارکنان شرکت آلومینیوم اراک چهار روز متوالی است در تحصن و اعتصاب بسر می برند.» محمد پورطالبیان - دبیر اجرایی خانه کارگر استان مرکزی - در گفت و گو با خبرنگار کار و اشتغال خبرگزاری (ایسنا)، افزود: «به دلیل سوء استفاده مدیریت های بخش دولتی و با توجه به اینکه امسال سال پاسخ گویند مدیران است، مدیران شرکت ایرالکو با ندادن پاسخ مناسب به کارگران این شرکت باعث بوجود آمدن این بحران شده اند.» او ادامه داد: «کارگران متحصن خواستار افزایش سود تولید و دریافت پنج درصد حق مدیریت هستند.» پورطالبیان تصریح کرد: «با توجه به افزایش تولید سال ۸۲ و به علت اینکه مدیران شرکت می گویند مشکلات نقدینگی و گرانی مواد اولیه داریم و نمی توانیم به خواسته کارگران پاسخ دهیم این اعتصاب هر روز افزایش یافته و تعداد کارگران به ۶۰۰ نفر رسیده است.»